

تفسیر روان و ساده قرآن کریم
قسمت سی و ششم ، سوره بقره

ذکر کتاب

درس گفتارهای
استاد سید هادی عظیمی

بهار ۱۴۰۳



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا
أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ
الظَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ الْمُقَرَّبِينَ، سَيِّمًا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي
الْأَرْضِينَ وَ اللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ
وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا.

در محضر شما گرامیان در تفسیر روان و تبیین آسان
از آیات قرآن رسیدیم به آیه ۲۴ سوره بقره.

الحاق منافقین به کفار

﴿فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا
النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ﴾. عرض کردیم، در هر
جامعه‌ای وقتی حکم خدا، مبنی بر ایجاد حاکمیت
دینی اجرا بشود، در مقابل این حاکمیت، که جریان
حاکمیت صالحان است، دو دسته پدید می‌آید.
۱. عده‌ای کافر هستند که به کلی نفی می‌کنند حاکمیت
دینی را و حاکمیت الهی را قبول ندارند ۲. عده‌ای مثل
کفار، به دشمنی علنی تظاهر نمی‌کنند، بلکه نفوذ
می‌کنند و از داخل، قصد ضربه زدن را دارند، که اینها
منافقین هستند. هرچند که منافقین، دنبال براندازی
نیستند و دنبال سوءاستفاده از این حاکمیت به نفع

خودشان هستند. عرض کردیم، این سه جریان را در ابتدای سوره بقره، خدای متعال به ما گوشزد می‌فرماید و اوصاف منافقین را در آیات قبل برای ما بیان کرد. در آنجا فرمود ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ﴾^۱، حضرت حق دعوت می‌کند همه مردم را، که عبادت کنند خدا را و اطاعت کنند. در این دعوت، منافقین و کافرین، هر دو خطاب این آیه هستند. اگر دیگر اسمی از منافقین برده نمی‌شود و آیات به ظاهر، فقط درباره کافرین هست، به خاطر این است که قلب منافقین، کافر به خداست. همان طور که مرحوم علامه طباطبایی هم اشاره فرمودند که منافقین به کفار ملحق شدند. به اعتبار اینکه قلب منافقین، کافر به خداست، گرچه ظاهرشان تظاهر می‌کنند به ایمان. چون قلبشان کافر است، اینجا کانه خطاب فقط به کافرین است. اما این به معنای این نیست که مراد، همان کافرانی که موضع علنی در مقابل دین می‌گیرند، نه، منافقین هم اینجا در حکم کافر هستند. این آیات خطاب به آنها هم هست. توجه به این مطلب داشته باشید، تا کسی برای او سوال نشود که چرا اینجا فقط ظاهراً خطاب به کافرین شده؟ خیر.

۱. سوره بقره؛ آیه ۲۱

مشکل اساسی منافقین، اختلاف سلیقه یا اعتقاد

عرض کردیم، در آیه ۲۱ به بعد، خدای متعال می‌خواهد اشاره کند، منافقین و کافرینی که در مقابل حاکمیت دینی می‌ایستند، مشکل‌شان، مشکل اساسی اعتقادی است. مشکل سلیقه‌ای نیست. این نکته را توجه کنید که بعضی‌ها متأسفانه وقتی می‌بینند مواضع سیاسی غلط بعضی از بزرگان را، می‌گویند این اختلاف سلیقه است. اگر مثلاً رهبر حاکمیت دینی می‌فرماید که باید با ابرقدرت‌ها بجنگیم و دفاع کنیم، در واقع جنگ ابتدایی نیست، جنگ دفاعی است. ما باید مجهز بشویم به قدرتی که بازدارنده باشد که آنها نتوانند به ما حمله کنند. اگر رهبر حاکمیت دینی حرف استقامت می‌زند، در مقابل، کسانی می‌گویند، ما باید تسلیم بشویم یا مذاکره کنیم و بپذیریم خواسته‌های آنها را. بعضی فکر می‌کنند، این یک اختلاف سلیقه است و اختلاف سلیقه هم، در امور اجرایی همیشه وجود دارد. این نیست. قرآن اینجا می‌خواهد بفرماید که این اختلاف عقیده است. مشکل کسانی که اطاعت نمی‌کنند از حاکمیت دینی، مشکل اعتقادی است نه مشکل ظاهری. اینجا اختلاف عقیده است. زیربنای فکرشان و نگاهشان غلط است. خب این زیربنای فکری چطور بر پایه‌های غلط سوار شده؟ یکی از آنها این است، که اینها توحید را قبول ندارند، یعنی توحید را به

صورتِ کامل قبول ندارند. کفار ممکن است، اصلِ توحید و وجود خدا را قبول نداشته باشند، ولی منافقین، ربوبیت خدا را قبول ندارند. مشکل بعدی‌شان این است، که اینها نبوت را هم قبول ندارند. ایمان ندارند به اینکه پیامبر گرامی اسلام از جانب خدا مبعوث شده. و مشکل سوم‌شان، مشکل معاد است. این سه تا در کنار هم است. اگر کسی توحید را قبول نداشته باشد، قطعاً نبوت را هم قبول ندارد و به تبع، معاد را هم انکار می‌کند.

ترساندن مردم از ابر قدرت‌ها، مصداقِ شرک و کفر

می‌خواهم یک تبیین ساده‌تری از این سه آیه خدمت شما ارائه بدهم. بر اساس آنچه که در دین فطری عرض کردیم، ارتباط توحید و نبوت و معاد چیست؟ وقتی می‌گوییم توحید، منظورمان این نیست که ما فقط یگانگی خدا را قبول داشته باشیم. وقتی می‌گوییم توحید، یعنی ما یک قدرت مطلق را، یک معدن بی‌نهایت قدرت را باید قبول داشته باشیم. عقل اجازه نمی‌دهد که ما دو بی‌نهایت را قبول داشته باشیم. عقل، یک بی‌نهایت را می‌پذیرد. توحید، یعنی معدن بی‌نهایت همه خوبی‌ها، همه زیبایی‌ها، همه مهربانی‌ها، معدن بی‌نهایت قدرت، کسی نیست جز خدا. اگر شما از یک ابر قدرتی ترسیدید و هراس به‌جان مردم انداختید، این یعنی شرک. اگر شما گفتید این

ابرقدرت می‌تواند به ما آسیب بزند و قدرت مطلق خدا را پشتوانه خودتان ندیدید و مردم را از ابرقدرت ترساندید، این یعنی شرک. این یک اختلاف سلیقه نیست. این یک عقیده غلط و فاسد است که شما در باطن خودتان اعتقاد دارید که ابرقدرت، قدرتش از خدا بالاتر است، این شرک در مقابل توحید است. شرک فقط این نیست که انسان بت تراشد و پرستد. همین که اعتقاد دارد، کسی که ابرقدرت است، می‌تواند به حاکمیت دینی آسیب بزند و آن را از بین ببرد، این یعنی بت‌پرستی. اعتقاد به قدرت داشتن او، در این حد که بتواند در مقابل اراده خدا بایستد، این یعنی پرستش ابرقدرت. معنای پرستش همین است. اساس حرف منافقین و آقایونی که ادعای اصلاح طلبی می‌کنند این است، که ما در مقابل استکبار نباید بایستیم، چون استکبار جهانی قدرتش آنقدر زیاد است که می‌تواند ما را محو و نابود کند. ببینید اینها بدون توجه به اراده خدا، از قدرت ابرقدرت‌ها می‌ترسند و مردم را هم می‌ترسانند. این یعنی شرک. خب وقتی چنین شرکی داشتید، قدرت خدا را نادیده گرفتی و پوشاندی، این همان کفر است. معنای لغوی کفر یعنی پوشاندن. پس این شرک، کفر هم هست. به جای اینکه به مردم بگویید خدا پشتوانه ماست، قدرت خدا را می‌پوشانید.

پشتیبانی‌های خداوند از انبیاء

﴿إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا﴾^۲؛ ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾^۳؛ ﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا﴾^۴.

این همه آیاتی که خدا می‌گوید، ایمان داشته باشید ﴿وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى﴾^۵ این همه آیاتی که خدا هشدار می‌دهد و می‌گوید، من پشتیبان شما هستم، نترسید بروید. ﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ﴾^۶ نترسید جلو بروید، من پشتوانه شما هستم.

خداوند، در طول تاریخ نشان داده که همه جا از انبیاء خودش پشتیبانی کرده. طوفان نوح، چطور طومار بُت‌پرست‌ها و بت‌ها را دَرَهَم پیچید؟ نمرود را چطور خدا با یک پشه نابود کرد؟ فرعون را چطور در دریا غرق کرد؟ شَرِّ بنی اسرائیل را چطور از سَرِ حضرت عیسی کوتاه کرد؟ پیغمبر را چطور بر سران جاهلیت و کفر پیروز کرد؟ خدا اینها را در طول تاریخ نشان داده. شما اینها را بیان نمی‌کنید. از یک قدرت پوشالی، مردم را می‌ترسانید. می‌گویید، چون ابرقدرت‌ها قدرت دارند، باید در مقابل آنها تسلیم باشیم. این یعنی کفر، یعنی پوشاندن قدرت خدا، پوشاندن همه آیاتی که به ما

۲. سوره حج؛ آیه ۳۸

۳. سوره محمد؛ آیه ۷

۴. سوره فتح؛ آیه ۱

۵. سوره انفال؛ آیه ۱۷

۶. سوره آل عمران؛ آیه ۱۳۹

می‌گوید، خدا پشتوانه شما است. شما وقتی به آن توجه نکنی و غفلت کنی، یعنی پوشاندن اینها یعنی کفر به همه این آیات. وقتی کسی در توحید مشکل داشته باشد، آن وقت می‌رسد به اینجا که حرف نبی خدا را هم قبول ندارد.

پیام انبیاء، حرکت مردم به سوی بی‌نهایت

پیامبر خدا آمده، راه را نشان دهد. خب پیامبر یعنی چه؟ پیامبر یعنی کسی که پیام خدا را برای بشر آورده، تا به بشر بگوید، ای بشر! تو برای این آفریده شده‌ای که مثل من بشوی. به بی‌نهایت متصل بشوی. خب پیام همه انبیا این بوده، که ای مردم حرکت کنید به سوی خدا، به سوی بی‌نهایت. خب شما این قدرت مطلق و بی‌نهایت خدا را قبول نداری و قدرت ابرقدرت‌ها را برتر از قدرت خدا می‌دانی. وقتی مشکل در توحید داشته باشی، معلوم است حرف کسی که تو را بخواهد به سمت این معدن بی‌نهایت حرکت بدهد، نمی‌پذیری و به او بدگمان می‌شوی. می‌گویی او برای رسیدن به قدرت و حکومت خودش، این حرف‌ها را می‌زند. کافر، همه را به کیش خود پندارد. خب نپذیرفتن نبوت پیامبر، چه ارتباطی با معاد دارد؟ شما نبوت پیامبر را نمی‌پذیری، آیات قرآن را تکذیب می‌کنی. آیات قرآن چیست؟ آیات قرآن، راه را به سمت بی‌نهایت نشان می‌دهد. پیامبر می‌گوید، به سمت

بی‌نهایت حرکت کنید. وقتی مسیری را که پیامبر برای حرکت به سوی بی‌نهایت به شما نشان می‌دهد را قبول نداری، خب چه مسیر دیگری به سوی بی‌نهایت وجود دارد؟ مسیر دیگری که نیست. مسیر بی‌نهایت را، باید خود بی‌نهایت نشان بدهد و خدا این مسیر را به پیامبر نشان داده تا به ما بگوید و گفته است. حالا شما اگر این مسیری را که پیامبر نشان می‌دهد قبول نداری، یک مسیر دیگری را نشان بدهید.

ناتوانی منافقین از ارائه راه وصول به بی‌نهایت

اینکه می‌فرماید ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ﴾^۷. اگر شک دارید به این پیامبر یک سوره‌ای بیاورید. سوره یعنی چه؟ یعنی همین. راهی که خدا به سوی بی‌نهایت در قرآن به ما نشان داده. شما بیاید یک راه نشان بدهید. بگویید، این بشری که بی‌نهایت خواه است، از چه طریق می‌شود به آن خواسته فطری خودش برسد، راه نشان بدهید. اگر شما راهی را که پیامبر نشان می‌دهد قبول ندارید، خب شما یک راه نشان بدهید تا حِسُّ فطری ما را پاسخ بدهد. در آیه ۲۴ می‌فرماید: ﴿فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا﴾ قطعاً شما نمی‌تونید راهی به سوی بی‌نهایت نشان بدهید. ﴿وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ﴾ که در آیه قبل فرمود، یعنی همه کسانی که فکر می‌کنید

۷. سوره بقره؛ آیه ۲۳

می‌توانند به شما کمک کنند، مانند فُصْحَا و بُلْغَايِ عرب. در بعضی آیات، خدای متعال می‌فرماید، اگر عقل همه جن و انس از اولین و آخرین، روی هم ریخته بشود، نمی‌تواند راه به سوی بی‌نهایت را نشان بدهد. عقل، فقط می‌تواند به ما حکم کند که بی‌نهایت وجود دارد و تو باید به سوی بی‌نهایت حرکت کنی. کارکرد عقل همین است. عقل می‌گوید، اگر به سوی بی‌نهایت نروید، دچار عذابِ حِرمان و نرسیدن به بی‌نهایت می‌شوید. اما به عقل بگویید، جناب عقل، راه رسیدن به بی‌نهایت چیست؟ عقل می‌گوید، من نمی‌دانم. باید خود بی‌نهایت، این راه را نشان بدهد و بی‌نهایت، این راه را توسط انبیاء، به بشر نشان داده. حالا شما اگر می‌گویید حرف انبیا درست نیست، دروغ می‌گویند. اینها مسیرِ غلط را نشان می‌دهند، شما یک مسیر درستی به بشر نشان بدهید. برای رسیدن به بی‌نهایت شما بیایید برای بشر یک راهکار ارائه بدهید که بشر به قدرت مطلق و بی‌نهایت برسد، به علم و حیات مطلق برسد، به نیرو و انرژی مطلق متصل بشود. می‌توانید، نمی‌توانید. **لَمْ تَفْعَلُوا** اگر نمی‌توانید **وَلَنْ تَفْعَلُوا** که هرگز هم نمی‌توانید. این پیش‌بینی خداست که ۱۴۰۰ سال پیش، پیامبر بیان فرموده. خب هزار و چهارصد سال گذشته باز هم بشر نتوانسته. اگر یک میلیارد سال دیگر هم بگذرد، هیچ‌کس نمی‌تواند راهی به سوی

بی‌نهایت برای بشر بیاورد. وَلَنْ تَفْعَلُوا، هر جا لَنْ، استعمال می‌شود، یعنی هرگز، هرگز نمی‌توانید. اگر میلیاردها سال دیگر هم شما پیشرفت کنید، روزی نخواهد آمد که کسی بیاید بگوید من می‌توانم راهی به‌سوی بی‌نهایت برای بشر نشان بدهم. نمی‌توانید ﴿فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ﴾ اگر نمی‌توانید راهی نشان بدهید، پس مراقب باشید، پس بیاید همین راهی که پیامبر به شما نشان داد را بروید.

راهکارِ عقل، برای رسیدن به بی‌نهایت

عقل حکم می‌کند که اگر شما یک گم‌شده‌ای دارید، خواستِ فطری شما این است که به بی‌نهایت برسید و نمی‌توانید این خواسته فطری را نادیده بگیرید. عقل حکم می‌کند، اگر احتمال می‌دهید که یک راهی غلط است، از این راه بروید تا مطمئن بشوید. راهی را که احتمال می‌دهید، شاید درست باشد، عقل می‌گوید از این راه هم باید بروید. شما اگر یک چیزی گم کرده باشید، چقدر دنبالش می‌گردید؟ هرجایی که احتمال می‌دهید آن شیء گم‌شده شما آنجا باشد، می‌روید می‌گردید. نمی‌گویید، چون احتمال می‌دهم، پس نروم بگردم و آنجا را نگاه نکنم. نه احتمالش هم کافی است برای اینکه شما بروید آنجا را بگردید.

آتشِ حرمان و حسرت، در کمینِ منافقین و ابرقدرت‌ها

خدا هم همین را به ما می‌فرماید که اگر نمی‌توانید، پس بیایید از این راهی که پیامبر می‌گوید بروید. و اگر از این راه نروید، دچار عذاب می‌شوید. چه عذابی؟ عذاب سوختن، ﴿فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ﴾. به آتشی مبتلا می‌شوید که هیزمش مردم هستند. یعنی خودتان هستید. اول فرمود ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اغْبُدُوا﴾ ای مردم! خدا را عبادت کنید و اطاعت کنید. حالا می‌فرماید، اگر عبادت و اطاعت نکنید و از این مسیری که خدا فرموده نیایید، دچار آتشِ حرمان و حسرت می‌شوید. وقتی به بی‌نهایت نرسید، آن وقت دچار عذاب نرسیدن به بی‌نهایت می‌شوید. این عذاب، از درونتان شکل می‌گیرد ﴿وَقُودُهَا النَّاسُ﴾ یعنی هیزیم این آتش، خودتان هستید. خودتان می‌سوزید یعنی شما می‌سوزید. چطور می‌سوزید؟ با آتشی که خدا افروخته؟ نه. با آتشِ حرمانی که در درون خودتان ایجاد می‌شود می‌سوزید. می‌گویید، چرا ما این مسیری را که پیامبران نشان دادند، به سوی بی‌نهایت نرفتیم. الان مبتلا شدیم به حرمان و نرسیدن و حسرت رسیدن به بی‌نهایت. این باعث می‌شود که خودتان بسوزید، لذا هیزیم آتش جهنم خودتان هستید. کسی که می‌خواسته به ثروتی برسد و یک راهی به او نشان دادند، اما قبول نکرده و از یک راه غلطی رفته و نرسیده، خودش می‌سوزد. کسی هیزیم جمع نمی‌کند، او را در

آتش قرار بدهد. نه خودش می‌سوزد که چرا این کار را نکرده. ﴿وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ﴾ هیزم این آتش چیست؟ خود مردم و الحجارة بنا بر آنچه که مرحوم علامه طباطبایی فرمودند، حجاره، مصداقش یک وقتی بُت‌های سنگی و چوبی بود. در این آیه نباید بگوئیم فقط بت‌های سنگی و چوبی، بلکه آنچه که شما بعنوان بت قبول داشتید. ابرقدرت‌هایی که دنبال آنها بودید، آنها هم در آتش، کنار شما هستند. یعنی هم شما می‌سوزید هم آنها. فردای قیامت می‌بینید که آنها قدرتی ندارند. ﴿لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ﴾^۸ (عاقرة: ۱۶) در روز قیامت، دیگر ابرقدرت معنا ندارد. همه قدرت‌ها دست خداست. لذا هم شما می‌سوزید هم ابرقدرت‌ها. در جهنمی که هستید، آتش در درونتان شعله‌ور است. ابرقدرت‌ها، آنهایی که فکر می‌کردید می‌توانند برای شما کاری کنند، آنها هم می‌سوزند. ﴿فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ﴾. این آتشی که مُهیا شده برای کافرین، همان آتش حرمان است. خدا فرمود، اگر به سمت این معدن بی‌نهایت که من هستم نیایید، گرفتار حرمان می‌شوید. خودتان می‌سوزید و ضرر می‌کنید. حالا در آیات بعد باز این عبارت وجود دارد

۸. سوره عاقرة؛ آیه ۱۶

کہ خودتان خسارت می‌کنید. ان شاء اللہ آیہ بعدی را در
جلسہ بعد تقدیم محضرتان خواہیم کرد.
والسلام علیکم و رحمہ اللہ و برکاتہ.

